

جاسوس «گاندو» پای داستان‌های «شاهنامه»!

گفت و گو با سیدمهرداد ضیایی، بازیگری که دل باخته ادبیات نیز هست

نام سیدمهرداد ضیایی که می‌آید، همه از او به عنوان یک بازیگر یاد می‌کنند، هر چند او سال‌هاست دست به قلم است، عاشقانه می‌نویسد و از این عشق حرف می‌زند. عقیده دارد نوشتن نان ندارد به همین دلیل گاهی تن به بازی در نقش‌هایی داده که دوست نداشته. تشابه اسمی او با مهرداد ضیایی رفیق چندین ساله‌اش موقعیت‌های خاطره‌انگیزی را برای‌شان رقم زده است.

به گزارش پرسون، سیدمهرداد ضیایی در سال‌ها فعالیت هنری‌اش به نقش‌های مختلف و متنوع جان بخشیده؛ از «فرشید ریاضی» جاسوس سریال «گاندو» و «داود خاکپور» ثروتمند سریال «از سرنوشت» گرفته تا «مسعود اسدی» در سریال کمدی «آچمز». در «معراجی‌ها» در قامت «استاد مهدوی» معاون دانشگاه ظاهر می‌شود و در سریال تاریخی «مختارنامه»، نقش «بن‌همام» شاعر اموی را ایفا می‌کند. ضیایی بازی در سریال‌های نمایش خانگی «قلب‌خی» و «آسپرین» را هم در کارنامه هنری‌اش دارد. چند کتاب از او در بازار نشر است و چند کتاب هم در نوبت چاپ دارد.

بازیگر کم‌حاشیه‌ای هستید.

بازیگری برایم همه زندگی‌ام نیست و ترجیح می‌دهم کارم را دلی انجام دهم و بنویسم. گذراندن زندگی با نوشتن بسیار سخت است و طبیعتاً آدم‌هایی که طاقت‌شان زیاد نیست مجبور می‌شوند به بسیاری از آثار پیشنهادی پاسخ مثبت بدهند.

پس به دلیل فشار اقتصادی در زندگی‌تان به بازی در آثاری دادید که دوست نداشتید؟

زیاد این اتفاق افتاده است، به خصوص در ۱۵-۱۰ سال اخیر که از راه نوشتن سخت‌تر می‌شود زندگی کرد، بیشتر اتفاق افتاده است.

اگر به گذشته برگردید باز هم بازیگری را انتخاب می‌کنید یا به دنبال رشته تحصیلی‌تان و روزنامه‌نگاری و نوشتن می‌روید؟

طبیعتاً به کار خودم یعنی حوزه ادبیات می‌پردازم. البته اگر قرار باشد بازی کنم، تئاتر را بر تلویزیون و رادیو ترجیح خواهم داد. این را هم بگویم که از بازی هیچ وقت احساس پشیمانی نکردم و همیشه خوشحال و راضی بودم.

در کارنامه‌تان رنگین‌کمانی از نقش‌های مثبت و منفی دیده می‌شود. چه نقشی شما را سر ذوق می‌آورد؟

نقشی که چالش داشته باشد، البته نقش‌های خاکستری معمولاً سخت‌تر از دیگر نقش‌ها هستند چون اگر کسی بخواهد خلاقیت داشته باشد در نقش‌های خاکستری سخت‌تر می‌تواند این کار را انجام دهد و در عین حال راحت می‌تواند از خیلی چیزها فرار و خودش را پشت نقش خاکستری پنهان کند.

اگر خبرنگار بودید چه چیزی از خودتان می‌پرسیدید؟

از کاری که می‌کنی راضی هستی؟

هستید؟

خیر.

در برخی آثار با مهرداد ضیایی بازیگر هم نام و نام خانوادگی‌تان همبازی بودید. خاطره جالبی از این ارتباط کاری و تشابه اسم و فامیل‌تان دارید؟

ما از سال ۷۵ تا حالا خیلی با یکدیگر کار کرده‌ایم، از تله‌تئاتر، تئاتر و تلویزیون تا سینما. مهرداد ضیایی از دوستان عزیز من است و خیلی اتفاقات جالبی برای‌مان رقم خورد. گاهی اوقات در حوزه نگارش اشتباه می‌گیرند، مثلاً آن‌بنده خدا را ممکن است مورد مواخذه قرار دهند از این که کاری را باید می‌فرستاده، نفرستاده یا دیر فرستاده. حتی برای دریافت جایزه کتاب سال تئاتر اول به او زنگ زدند و از او دعوت کردند -خنده- یکی از دفترهای شعرم را مهرداد ضیایی به چند نفر هدیه داده و از این اتفاقات می‌افتد.

کارگردانی بوده که متفاوت‌تر، سخت‌گیرتر و حرفه‌ای‌تر از دیگر کارگردان‌ها باشد؟

شیوه نگرش بهرام بیضایی به جهان درام و به موضوعات مختلفی که در یک درام وجود دارد و به عنوان یک کار گروهی باید آن را انجام داد و روشنفکر بودن او جدای از حرفه ای بودنش سبب شد آثارش رتبه بالاتری پیدا کنند. او اهل گفت و گو بود.

بیشتر بخوانید؛

حمید رضا پگاه: «خانه امن» پرسکانس‌ترین بازیگریم بود

گپی با «نیما نادری» بازیگر سریال «شرم»

جایگزین سیروس گرجستانی در سریال «شرم» مشخص شد

۹ سال است که در فیلم های تلویزیونی بازی نکرده اید. به نظر شما سطح این گونه آثار پایین آمده است؟

الان خیلی تله فیلم تولید نمی شود، ۸ یا ۹ سال است که خیلی اندک و شاید سالی یک یا دو فیلم تولید شود. اتفاقاً مدیوم بسیار خوبی بود. دو کار در تلویزیون می توانست سطح کار را بالاتر ببرد و متعادل تر کند، یکی تله تئاتر و دیگری تله فیلم که می تواند سطح سلیقه مخاطب را درباره کارهای عامه پسند بالاتر ببرد. تلویزیون هر دو را حذف کرد. تولید تله فیلم و تله تئاتر خرج زیادی ندارد و مسئله بودجه نیست. فکر می کنم خیلی علاقه مندی به بالا رفتن سطح سلیقه وجود ندارد.

به نظر شما سریال های تلویزیونی اخیر توانسته اند مانند سریال های دهه ۷۰ و ۸۰ سطح کیفی خود را حفظ و مخاطب را جذب کنند؟

گاهی این گونه است، ولی جنبه سرگرمی کارها بیشتر از هر چیزی است و البته وظیفه سریال این است که جنبه سرگرمی را حفظ کند. بیش از این هم انتظاری نمی توان داشت ولی یک تعادل باید بین جنبه سرگرمی و هنری کار وجود داشته باشد. جنبه هنری آثار پایین تر می آید، ممیزی سازمان بسیار زیاد می شود و طبیعی است که از آن سو جنبه عامه پسند بودن و سرگرمی کار بالا برود.

برخی عوامل از کمبود بودجه تولید آثار نمایشی گلایه می کنند و این بخش دیگری از مشکلات تولید است. قبول دارید؟

کمبود بودجه، عامل بسیار مهمی است و نه تنها مشکلاتی را به وجود می آورد، بلکه رضایت عوامل کار را هم کاهش می دهد و گاهی به طور کلی آن ها را فراری می دهد. همواره بابت بازی هایم طلبکار هستم و مدت هاست که ندیدم برای یک کار، درست و عادلانه دستمزد را پرداخت کنند و مدام می گویند تهیه کننده باید پرداخت کند! تهیه کننده ای که جیب اش به جیب تلویزیون وصل است تهیه کننده نیست. چه رضایتی از انجام این کار وجود دارد و با چه حسی باید انجام شود؟

بازیگری که سال ها از تلویزیون طلبکار است ترجیح می دهد خانه نشین شود تا به دنبال پولش بدود.

متأسفانه باید اجاره خانه بدهم و نمی توانم در خانه بنشینم.

بعضی از بازیگران اگر دستمزد خوب بدهند سر صحنه می روند در غیر این صورت بازی نمی کنند.

خوشبختانه آن ها به شرایطی رسیده اند که حاشیه امنی دارند و می توانند انتخابگر باشند، آدم هایی مثل من حاشیه امنی در زندگی ندارند.

فکر نمی کنید نقش فروشی و ورود نابازیگر به سینما ضربه بزند؟

کاش قبل از این که به شکل مافیایی اتفاق می افتاد، طی جلسات کارشناسانه موضوعات و شرایط بررسی و بعد در خانه سینما و تئاتر و مراکز فرهنگی انجمنی تشکیل و به آن پرداخته می شد، شرایط طوری نمی شد که از نگرانی تا خدمات بتوانند درباره انتخاب نقش اعمال قدرت کنند، طبیعتاً هرکسی به وسیله ارتباطات پنهانی می تواند این کار را انجام دهد البته به خاطر اقتصاد فاسد آن زمان به خصوص در هنرهای دراماتیک در مملکت شکل گرفت. هر جایی که اقتصادش فاسد باشد، قطعاً چنین اتفاقاتی می افتد و آدم ها به چنین راه هایی کشیده می شوند. در چنین شرایطی بسیاری از آدم ها از گردونه بیرون می مانند، بدون این که هیچ دلیل منطقی وجود داشته باشد. بسیاری از آدم ها وارد کار می شوند و شما گمان می کنید الان این آدم ها چرا این جا باید باشند و اگر این جا نبودند و مثلاً لاستیک می فروختند چه فرقی می کرد؟

در اوقات فراغت تان می نویسید؟

پنج شش کتاب بیشتر ندارم و آخرین آن ها «مرا به پیراهنت بسیار» بود. یک کتاب دو جلدی در دست نگارش دارم که جلد اولش به پایان رسیده و درباره تاریخ اجتماعی دو ساله تهران و در حال پژوهش است. باید نمایش نامه ای را برای محمد حاتمی تمام کنم. کاری هم باید در حوزه داستان های شاهنامه برای رادیو بنویسم.

نمی خواهم در پایان مصاحبه خلق تان را تنگ کنم، اما شما در شرایط سخت کرونا، فروردین ماه همسرتان را از دست دادید. اکنون شرایط زندگی خیلی برای تان سخت است؟

در تنهاترین زمان زندگی خودم هستم. فقط می توانم بگویم خیلی سخت است.

مریم ضیغمی

منبع: روزنامه خراسان